اولویت ارفاقی جمع روایات در قاعده الجمع

- اذعان شیخ انصاری به جمعهای خلاف ظاهر در کلام معصوم (ع)
- محامل و معاریض کلام اهل البیت

اذعان شیخ انصاری به جمعهای خلاف ظاهر در کلام معصوم (ع)

(18:53)

در مانحن فیه هم از مرحوم شیخ انصاری عباراتی بود که چون زیاد عرض کردم، فقط اشاره میکنم. عباراتی است که باراها در مباحثه گفتم ام. ولو با سائر عبارات خود مرحوم شیخ در بحث تعادل و تراجیح موافق نیست. بحث تعادل و تراجیح یکی از سنگین ترین و پر باربترین بحثهای اصولی است؛ تعادل و تراجیح هم سنگین است و هم پرباراست. خیلی برای اصول ای دستگاه فقاهت فایده دارد. در صفحه صد و سی مرحوم شیخ فرمودند: آیا همه روایات کتب روائی قطعی الصدور است؟

فرمودند:

> **فالذي يقتضيه النظر - على تقدير القطع بصدور جميع الأخباراالتي بأيدينا، على ما توهمه بعض الأخباريين، أو الظن بصدور جميعها إلا قليلا في غاية القلة، كما يقتضيه الإنصاف ممن اطلع على كيفية تنقيح الأخبار وضبطها في الكتب - وهو أن يقال: إن عمدة الاختلاف إنما هي كثرة إرادة خلاف الظواهر في الأخبار إما بقرائن متصلة اختفت علينا من جهة تقطيع الأخبار أو نقلها بالمعنى، أو منفصلة مختفية من جهة كونها حالية معلومة للمخاطبين أو مقالية اختفت بالانطماس، وإما بغير القرينة لمصلحة يراها الإمام (عليه السلام) من تقية - على ما اخترناه، من أن التقية على وجه التورية - أو غير التقية من المصالح الاخر.**

وإلى ما ذكرنا ينظر ما فعله الشيخ (قدس سره) - في الاستبصار- من إظهار إمكان الجمع بين متعارضات الأخبار، بإخراج أحد المتعارضين أو كليهما عن ظاهره إلى معنى بعيد. وربما يظهر من الأخبار محامل وتأويلات أبعد بمراتب مما ذكره الشيخ[1]

«فالذي يقتضيه النظر على تقدير القطع بصدور جميع الأخباراالتي بأيدينا، على ما توهمه بعض الأخباريين»؛ قطع به صدور را قبول ندارند. اما آن چه که قبول دارند: **«أو الظن بصدور جميعها إلا قليلا في غاية القلة كما يقتضيه الإنصاف»**؛ ظن به صدور جمیع است. بعد فرمودند: بعد که این را گفتیم، **«وهو أن يقال: إن عمدة الاختلاف إنما هي كثرة إرادة خلاف الظواهر في الأخبار»**؛ یعنی همه این روایات هست، بسیاری زیاد هست ظاهر روایتی که میبینید حتی چه بسا در نظر عرف بین آنها تعارض عرفی برقرار شود، اما اصالً حضرت اراده

ظاهر نکرده‌اند. چرا نکرده‌اند؟ سه-چهار مورد را می‌فرمایند: **«إما بقرائن متصلة اختفت علينا من جهة تقطيع الأخبار أو نقلها بالمعنى، أو منفصلة مختفية من جهة كونها حالية معلومة للمخاطبين أو مقالية اختفت بالانطماس»؛** سومی به ما نحن فیه مربوط است؛ می‌گویند ای حضرت اراده خلاف ظاهر کرده‌اند، «وإما بغير القرينة»؛ یعنی حتی قرینه خلاف ظاهری هم نبوده اما امام علیه‌السلام بدون قرینه اراده خلاف ظاهر کرده‌اند. خب چطور می‌شود؟ می‌فرمایند: **«لمصلحة يراها الإمام»؛** خودشان می‌دانند که چرا بدون قرینه خلاف ظاهر را اراده کرده‌اند. «من تقية - على ما اخترناه، من أن التقية على وجه التورية - أو غير التقية من المصالح الاخر». بنابراین اینطور نیست که بگوییم وقتی دو روایت آمد سریع بگوییم معارضه عرفیه هست؛ عرف اینها را معارض می‌بیند، شما چه کار داری که بگویی محمل دیگر هم هست! نه.

بعد می‌گویند شیخ هم که در استبصار جمع های تبرعی دارند، این جمع های شیخ از بعضی از خلاف ظواهری که در روایات آمده بهتر است.

«وإلى ما ذكرنا ينظر ما فعله الشيخ (قدس سره) - في الاستبصار- من إظهار إمكان الجمع بين متعارضات الأخبار، بإخراج أحد المتعارضين أو كليهما عن ظاهره إلى معنى بعيد. وربما يظهر من الأخبار محامل وتأويلات أبعد بمراتب مما ذكره الشيخ»؛ خب وقتی فضای روایات اینچنین است و کثرت خلاف ظواهر را اراده کرده‌اند مقصود داشته‌اند.

---

[1] فرائد الأصول نویسنده : الشيخ مرتضى الأنصاري جلد : ۴ صفحه : ۱۲۹

محامل و معارض کلام اهل البیت

(22:50) یکی از بهترین کتابهای حدیثی کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه است. این محدث بزرگ می دیده روایتی هست که میتواند معانی مختلفی داشته باشد ای مبهم باشد. این کتاب را نوشته اند و پر بار است. اولین بابی که ایشان دارند؛ چند سال پیش هم یک مباحثه خیلی دلنشینی داشتیم. بخشی از این کتاب را مباحثه کردیم. اولین باب این است: «الباب الذي من أجله سميت هذا كتاب معاني الأخبار». اصلاً من چرا این کتاب را نوشتم و چرا اسم آن را این گذاشتم؟ سه روایت را آورده اند. من روایت چهارم و پنجم را هم کنارش اضافه کرده ام. روایت سومش این است:

> **حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور ـ رضي الله عنه ـ قال. حدثنا الحسين بن محمد ابن عامر ، عن عمه عبد الله بن عامر ، عن محمد بن أبي عمير ، عن إبراهيم الكرخي ، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال : حديث تدريه خير من ألف حديث ترويه ، ولا يكون الرجل منكم فقيها حتى يعرف معاريض كلامنا ، وإن الكلمة من كلامنا لتنصرف على سبعين وجها لنا من جميعها المخرج.[1]**

«حديث تدريه خير من ألف حديث ترويه»؛ یک حدیث را بفهمی بهتر از این است که هزار حدیث را روایت کنی. **«و لا يكون الرجل منكم فقيها حتى يعرف معاريض كلامنا»؛** خیلی وقت ها «معارض» را به تقیه معنا میکنند. محتملاتی که مثلاً اشاره دارد. ولی ملازمه ای ندارد که **«معارض»** حتماً بهمعنای تقیه باشد. از رابطههای جانشینی که عرض کردم، یکی از آنها همین روایت «معارض» است. در روایت دیگر دارد **«حتى يعرف معاني كلامنا»**. فعلاً کار ما «معارض» نیست. حضرت دنبالش فرمودند: **«و إن الكلمة من كلامنا لتنصرف على سبعين وجها لنا من جميعها المخرج»؛** نه اینکه مخرج یعنی من یکی از آنها را اراده کرده ام و بقیه را دور میریزم. نه، «من جميعها المخرج»، مخرج یعنی محمل. در بصائر الدرجات یک باب بسیار مفصلی است. شاید بالای ده روایت هست که هر کلمه ای که ما میگوییم هفتاد تا محمل دارد.

بنابراین اگر ما با یک روایتی مواجه میشویم و یک فضای اهل تخصص مطرح شد و آنها در فضای خودشان یک چیزی میفهمند که عرف عام نمی فهمند، ما نمیتوانیم بگوییم چون مخاطب حضرت در آن جلسه عرف عام بوده و آن راوی بوده، حضرت برای اینها نگفته است. این عرض من بود.

---

[1] معاني الأخبار نویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۱ صفحه : ۲